

ترجمه و نقد مقاله: صالح نبی و علی بن ابی طالب در منابع شیعی:

مطالعه‌ای مقایسه‌ای خالد سنداوی

گروه مطالعات چند رشته‌ای کالج آکادمیک مکس استرن، عمیق ییزراعیل، اسرائیل^۱

بشیر سلیمی^۲، سعید طاوسی مسرور^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲)

چکیده (مقاله اصلی^۴)

در این مقاله به مقایسه صالح پیامبر و ناقه‌اش با علی بن ابی طالب در پرتو منابع شیعیان از جمله قصص الانبیاء، احادیث، فقه و تفاسیر قرآن خواهیم پرداخت. در روایت شیعیان از فاصله زمانی زیاد و ترتیب رخ داد تاریخی بین آن دو چشم‌پوشی شده است، به دلیل تمایل راویان به بهبود وضعیت سابق علی و مزین کردن شخصیت او به پرهیزکاری، به عنوان فرد دارای بسیاری از صفات صالح پیامبر به تصویر کشیده شده است. بنابراین علی به گونه‌ای ترسیم می‌شود که در بسیاری از خصوصیات صالح پیامبر سهیم بوده و دقیقاً همانند او از دودمانی مقدس می‌باشد. نویسندگان شیعه از ارتباط میان شخصیت آن دو استفاده کردند تا تردیدکنندگان را در به حق بودن امامت علی متقاعد کرده و نشان دهند که مرتبه ایشان کمتر از یک پیامبر نبوده و قدمت اعتقاد شیعی را به اثبات برسانند.

کلید واژه‌ها: صالح پیامبر، ناقه صالح، علی بن ابی طالب، امام، ولایت، وصیت، اوصیاء.

۱. خالد سنداوی، متولد ۱۹۶۴ در شهر جش، از توابع جلیل، است و تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه حیفا (لیسانس و فوق لیسانس ادبیات عرب) و دانشگاه بار ایلان (دکترای شیعه‌شناسی) گذرانده است. موضوع رساله دکتری او مقتل‌های شیعی بود که در سال ۲۰۰۰ زیر نظر جورج قنازح و اشعیا گلدفلد به انجام رساند. او هم‌اکنون استاد دانشکده عمیق ییزراعیل در دانشگاه مکس استرن اسرائیل است و سابقه تدریس در دانشگاه‌های حیفا، تل‌آویو، لندن و کالیفرنیا را دارد. از او تا کنون مقالات و کتاب‌های متعددی به زبان‌های انگلیسی و عربی درباره شیعه منتشر شده است (طباطبایی، ص ۲۲) که در آن‌ها رویکرد ضد شیعی به وضوح دیده می‌شود. (م)

۲. دکترای علوم قرآن و حدیث، مدرس گروه قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛
salimibashir@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ فلسفه و کلام اسلامی و شیعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران؛
saeed.tavoosi@atu.ac.ir

۴. باورقی‌های مترجمان با (م) از باورقی‌های مؤلف متمایز شده است. (م)

مقدمه

با توجه به دیدگاه شیعیان^۱ هر پیامبر، جانشین (وصی) خودش را دارد و امامان، وارثان و جانشینان^۲ پیامبران هستند؛ این درست به صورت یک سلسله پیوسته از یک پیامبر و وصی به دیگری داده شده است تا به محمد پیامبر رسیده است. ایشان این وراثت را به امام علی بن ابی طالب واگذار کردند، سپس این وراثت از ایشان پی‌درپی تا دوازدهمین امام رسید.

شیعیان جزئیات بی‌شماری از زندگینامه و سیره پیامبران و اوصیای آنان جمع‌آوری کردند و آنها را به امامان نسبت دادند تا امام را به فردی مقدس تبدیل کرده و مومنان را نسبت به جانشینی به حق آنان در امامت متقاعد کنند. برای مثال صفات و جزئیات زندگی بیشماری از عیسی (مسیح)^۳، و همچنین از پیامبر یحیی (یوحنا تعمید دهنده)^۴ به حسین بن علی نسبت داده شده است، در صورتیکه خصلت‌هایی که در اصل به یوشع بن نون، وصی موسی، نسبت داده شده بود، علی‌رغم فاصله زمانی وسیعی که پیامبران و اوصیای آنان را از امامان شیعیان جدا می‌سازد، به علی بن ابیطالب منتقل شده بود.

در اصل شیعه ادعا می‌کند که اساس و سرچشمه‌اش به هزاران سال قبل در گذشته باز می‌گردد. این انتساب مشابه یا همسان به پیامبران کهن و امامان اخیر به عنوان مدرکی برای قدمت و اعتبار عقایدشان درباره جانشینی به کار رفته است. شیعه، با وجود نظر مخالف و مورد پذیرش عموم، از نظر خودش، بسیار پیشتر از این که در صفحه تاریخ ظاهر شود وجود داشته است.

انگیزه احتمالی دیگر برای این ادعا که امامان جانشینان پیامبران و وارثان آنها هستند،

۱. اصطلاح شیعه و شیعیان که در این مقاله به‌کار رفته است به شیعه امامیه که به دوازده امامی (اثنی‌عشریه) نیز شناخته می‌شوند، اشاره دارد.

۲. برای جزئیات بیشتر در این باب برای مثال ببینید: یوری روبین، «پیامبران و نیاکان در احادیث متقدم شیعه»، مطالعات اورشلیم در عربی و اسلام (JSAI)، جلد ۱، ۱۹۷۹، صفحات ۴۱ تا ۶۵.

۳. برای جزئیات بیشتر مطالعات ما را ببینید: خالد سنداوی، «مسیح و حسین بن علی بن ابی‌طالب: مطالعه‌ای مقایسه‌ای»، مطالعات باستانی خاور نزدیک، ۴۴، صفحات ۵۰ تا ۶۵.

۴. برای جزئیات بیشتر مطالعات ما را ببینید: خالد سنداوی، «حسین بن علی و یحیی بن زکریا در منابع شیعیان: مطالعه‌ای مقایسه‌ای»، فرهنگ اسلامی، ۷۸ (۳)، صفحات ۳۷ تا ۵۴.

می‌تواند مبارزه و ستیز آنها در مقابل بی‌عدالتی‌ها و سخنان کذب باشد، که خود رسالت و ماموریت اصلی پیامبران و وارثانشان بوده است و سبب آن شده که این وراثت تا دوازدهمین امام واگذار شود. بنابراین امامان به گونه‌ای پنداشته می‌شوند که در همان فعالیت‌های و حیاتی الهی که پیامبران و رسولان مشغول بودند، با هدف برقرار کردن عدالت عمومی، مشغول هستند. علی بن ابی‌طالب به عنوان یک امام و جانشین محمد پیامبر، وارث راه پیامبران و عدالت آنها پنداشته می‌شود. از آنجایی که وی متمرکز بر مبارزه برای اعمال نیک و ستیز در مقابل بی‌عدالتی‌ها بوده است، دور از ذهن نیست که با صالح پیامبر، کسی که با وی در بسیاری از خصوصیات مشترک است مقایسه شود.

مقایسه صالح پیامبر با علی بن ابیطالب می‌تواند یک مسئله مهم را فاش کند، تا حدی که آشکار می‌کند احادیث کهن شیعیان از «قصص الانبیاء» نشأت گرفته‌اند، یک ژانر که منبع غنی از صفات پیامبران بوده و به شکل بی‌شماره‌ای به عنوان صفات ۱۲ امام جعل شده‌اند.

نقد^۱

متهم کردن شیعه امامیه به جعل فضایل انبیاء^{علیهم‌السلام} برای امام علی و دیگر امامان^{علیهم‌السلام} ادعایی بی‌دلیل است که قابل پذیرش نیست زیرا در منابع اهل تسنن نیز روایات متعددی در شباهت‌های امام علی^{علیه‌السلام} با انبیاء^{علیهم‌السلام} آمده است که برای مثال می‌توان به کتاب: زین الفتی فی شرح سورة هل اتی نوشته ابومحمد حامد بن احمد بن جعفر بن بسطام طحیری از علمای کرامیه نیشابور (نک: رحمتی، سرتاسر) اشاره کرد که به تفصیل به شباهت‌های امام علی^{علیه‌السلام} با انبیایی چون: آدم، نوح، ابراهیم، یوسف، داوود، سلیمان، ایوب، یحیی، عیسی و محمد^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} پرداخته است (نک: محمودی، ۱/ ۱۲۴-۵۰۴؛ ۲/ ۵-۳۴۶). البته این‌گونه روایات در دیگر منابع اهل تسنن مانند فضائل الصحابه از احمد بن حنبل، خصائص امیرالمؤمنین^{علیه‌السلام} از نسائی و معجم کبیر طبرانی نیز آمده است (نک: مبارک، ۱۲۹-۱۳۳). علاوه بر منابع عامه، شباهت‌های امام علی^{علیه‌السلام} و انبیاء و اوصیای آنان^{علیهم‌السلام} در منابع زبده نیز آمده است (برای

۱. نقدهای مترجمان با/یرانیک شدن و علامت (م) از متن مقاله سنداوی متمایز شده است. (م)

نمونه نک: ابن وزیر، ۱۸۰-۱۸۲، ۲۸۷-۲۸۹). این گونه نقل‌ها در منابع عامی و زیدی
 شاهی است در متهم نبودن اثنی عشریه در نقل این گونه شباهتها (م).
 مثال‌های بیشماری از این قبیل در زندگینامه‌های امامان که در منابع گوناگون شیعی گزارش
 شده است، دیده می‌شود. اگرچه تاکنون به این مسئله توجه علمی اندک و سطحی شده است.
 با توجه به دریافت‌هایی که از منابع شیعی می‌شود، مطالعات امروزه به شباهت‌های میان
 داستان صالح پیامبر و معجزه ناقه‌اش، و علی بن ابی طالب می‌پردازد، به خصوص در
 ادبیات «قصص الانبیاء»، مجامع حدیثی و مطالعات معاصر.
 منابع اصلی به کار رفته در این تحقیق به شرح ذیل است: «بصائر الدرجات» نوشته
 صفار قمی (۲۹۰ ق. / ۹۰۲ م.)؛ «تفسیر العیاشی» نوشته عیاشی (۳۲۰ ق. / ۹۹۱ م.)؛
 «الخصال» و «عیون اخبار الرضا» نوشته شیخ صدوق (۳۸۱ ق. / ۹۹۱ م.)؛ «عرائس
 المجالس» نوشته ثعلبی (۴۲۷ ق. / ۱۰۶۷ م.)؛ «تهذیب» نوشته طوسی (۴۶۰ ق. / ۱۰۶۷ م.)؛
 «قصص الانبیاء» نوشته بیاضی نباطی (۸۷۷ ق. / ۱۴۷۲ م.)؛ «بحار الانوار» نوشته علامه
 مجلسی (۱۱۱۰ ق. / ۱۶۹۸ م.)؛ «قصص و مولید الانبیاء» نوشته کسائی (۱۲۳۴ ق. / ۱۸۱۸
 م.)؛ «راهنمای الهی در تشیع نخستین» نوشته امیر معزی.
 پیش از بررسی شباهت‌های میان آن دو شخصیت، یک مقدمه‌ای کوتاه درباره داستان
 صالح پیامبر در اولویت قرار دارد.

گزارش کوتاه از داستان صالح پیامبر^۱

وقتی صالح به سن ۴۰ سالگی رسید، خداوند به او الهام کرد که قوم ثمود را دعوت به

۱. داستان صالح پیامبر در چندین قسمت از قرآن بیان می‌شود، به شرح زیر:
 الف) خداوند صالح پیامبر را به سمت مردمش می‌فرستد: قرآن ۷:۷۳، ۱۱:۶۱، ۱۴۵-۱۴۱:۲۶، ۱۵۱-۱۴۶:۴۷، ۲۷:۴۵.
 ب) قوم صالح پیام او را باور نمی‌کنند: قرآن ۷:۷۷-۷۹، ۶۳-۶۲:۱۱، ۱۵۴-۱۵۳:۲۶.
 ج) ناچه به عنوان معجزه‌ای از بهشت به صالح فرستاده شد: ۷:۷۳، ۱۱:۶۴، ۱۵:۵۹، ۱۵۶-۱۵۴:۲۶، ۲۸-۲۷:۵۴، ۱۳-
 ۹۱:۱۱.
 د) ناچه کشته شده و قوم ثمود مجازات می‌شوند: ۷:۷۷-۷۹، ۶۸-۶۵:۱۱، ۳۹-۳۸:۲۵، ۱۵۸-۱۵۶:۲۶، ۳۱-۲۹:۲۷،
 ۴-۹:۶۹، ۲۰-۱۷:۸۵، ۱۴-۹:۸۹، ۱۵-۱۱:۹۱.
 داستان صالح در منابع بیشماری نیز بیان می‌شود، برای مثال «قصص الانبیاء»، شرح‌های تاریخی و غیره.

اطاعت از او کند. ولی مردم نمود به او گفتند که اگر می‌خواهد او را باور کنند باید از دل سنگ ناقه‌ای بیرون آورد و آن ناقه بچه‌ای بزاید. صالح نزد خدا دعا کرد، و در آن هنگام سنگ شکاف برداشت و از درون آن ناقه‌ای عظیم الجثه و موزون ظاهر شد، مقابل آنها زانو زد و بچه شتری بزرگ همچون مادرش زایید. سپس صالح از مردمش خواست تا آب خود را تقسیم کنند تا یک روز آنها از آب بنوشند، و در روز بعد ناقه از آب بنوشد. در روزی که آب متعلق به ناقه بود مردم از شیر او به اندازه کافی مصرف کردند، ولی در روزی که آب متعلق به مردم بود ناقه آبی دریافت نکرد. آنها همچنین آبی را که ناقه در روز خودش می‌نوشید از او مضایقه کردند و دسیسه‌ای چیدند تا آن را بکشند. فردی که برای اجرای نقشه شان انتخاب شده بود قدار بن سالف نام داشت. ناقه کشته شد و در روز چهارم عذاب خداوند بر آنها نازل گشت؛ همه‌ی مردم کشته شدند و ناقه صالح (همچنین به عنوان ناقه الله و اولین ناقه شناخته می‌شود)^۱ زنده شد. در پی این ماجرا نام قاتل در کاربرد ضرب المثلی به عنوان مثال از بدبختی، مصیبت و انقراض وارد شد.^۲

۱. برای اطلاعات بیشتر راجع به القاب ناقه مراجعه کنید، به النعالی، ثمار القلوب ۲۹، ۴۵، ۳۵۲.
۲. از جمله ضرب‌المثل‌هایی که به ناقه‌ی صالح اشاره می‌کند عبارت است از: «بدنام تر از احمر از عاد» یا «بدنام‌تر از احمر از قوم نمود»، که در اینجا احمر به قدار بن سالف، قاتل ناقه، اشاره دارد، کسی که برخی اوقات با نام مادرش قدیره مورد خطاب واقع می‌شود. او به عنوان ضد قهرمان و شخص منفی به تصویر کشیده شده است، کسی که خودخواهی و علاقه اش به مردم خود و بی‌علاقگی‌اش به ناقه، او را به سمت کشتن ناقه، با نابودی متعاقب، هدایت کرد. برای جزئیات بیشتر راجع به این ضرب‌المثل‌ها مراجعه کنید، به: اصفهانی، الدرّة الفاخرة فی الامثال ۲۴۷، شماره ۳۳۹؛ میدانی، مجمع الامثال، ۲:۱۷، شماره ۲۰۳۱؛ شیبی، تمثال الامثال، ۴۹۱، شماره ۳۰۱؛ زمخسری، المستقصى فی الامثال العرب، ۱:۱۷۶، شماره ۷۲۲؛ عسکری، کتاب جمهره الامثال، ۱:۴۵۶، شماره ۱۰۳۴؛ یوسی، زهر الاکم فی الامثال والحکم، ۳:۲۱۱؛ اصفهانی، سوائر الامثال علی أفعال، ۲۱۲، شماره ۲۸۹. یک ضرب‌المثل مشهور "من ناقه ی صالح را نکشته‌ام" می‌باشد که توسط فردی که اظهار بی‌گناهی می‌کند گفته می‌شود؛ ثلعی، ثمار القلوب، ۳۵۲، را ببینید.
در ادامه برخی از ضرب‌المثل‌هایی که به شتر جوان متولد شده از ناقه‌ی صالح اشاره دارد، آورده شده است: "آن‌ها از دختر گریبان ناقه رنج می‌برند"، "برای آنها همانند دختر نالان ناقه بود"، "برای آن‌ها همانند ناقه جوان بود". این تمثیل‌ها برای اشاره کردن به فردی که با خودش مرگ و بدشانسی برای دیگران می‌آورد، به کار می‌رود، مانند شتر تازه متولد شده‌ای که پس از آنکه مادرش کشته شد به بالای کوه رفت و مویه کرد، و عذاب خداوند را بر قوم نمود آورد. برای جزئیات بیشتر درباره‌ی تمثیل‌ها مراجعه کنید، به: سدوسی، کتاب الامثال، ۴۴، شماره ۸؛ بکری، فصل المقال فی شرح کتاب الامثال، ۴۵۸، شماره ۲۱۵؛ میدانی، مجمع الامثال، ۳:۲۰، شماره ۲۰؛ زمخسری، المستقصى فی الامثال العرب، ۲:۲۱۱، شماره ۷۱۳.

شباهت‌ها میان داستان‌های صالح پیامبر و علی بن ابی طالب

یک بررسی دقیق در منابع شیعی چندین صفت که آن دو در آن با هم مشترک‌اند را آشکار می‌کند. به احتمال زیاد نویسندگان شیعی زندگینامه صالح پیامبر را بررسی کردند و متوجه شدند که دارای جزئیاتی می‌باشد که می‌تواند دوباره به گونه‌ای تنظیم و ادا شود که در خور و شایسته اعتقادات عمومی شیعی باشد و تجلی مقام علی علیه السلام را به عنوان عضوی از خاندان مقدس افزایش دهد.

پیش از بررسی جزئی این شباهت‌ها، باید ذکر کنیم که علاوه بر شباهت‌های بین صالح پیامبر و علی شباهت‌هایی میان ناقه صالح و علی نیز وجود دارد. همانگونه که در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد، ما هشت نقطه اشتراک میان آن دو مرد، و هفت نقطه اشتراک میان ناقه و علی علیه السلام یافته‌ایم.

شباهت‌های میان علی و صالح

الف - معجزات وابسته به تولد آن‌ها

هنگامی که زغوا، مادر صالح پیامبر، باردار شد، روی زمین و دریا نشانه‌هایی ظاهر شدند. وقتی که صالح به دنیا آمد، در یک روز جمعه از ماه محرم، در صحرا و کوه‌ها هیاهو به وجود آمد؛ فرشتگان فرود آمدند و جانوران وحشی، شیرها و حیوانات سواری سجده کرده و خدا را شکر کردند. بت‌های قوم ثمود با صورت بر زمین خوردند.^۱

شباهت‌ها، وقتی فاطمه دختر اسد (۴ ق. / ۶۲۶ میلادی)، مادر علی بن ابی طالب (۴۰ ق. / ۶۶۱ میلادی)، حامله بود زمین به مدت ۷ روز زیر پای قبیله قریش لرزید، سنگ‌ها مسطح شدند و بت‌ها پراکنده شده و با صورت بر زمین خوردند.^۲ اینگونه گفته می‌شود که هنگامی که علی متولد شد، آسمان‌ها نورانی بودند و ستارگان دو برابر قبل پرنورتر می‌درخشیدند.^۳

۱. کسائی، قصص و موالید الانبیا، ۸۹-۹۰.

۲. فتال، روضة الواعظین، ۱:۷۸؛ ابن شاذان، الفضائل، ۵۶.

۳. فتال، پیشین، ۱:۷۸.

ب - شباهت‌های فیزیکی آن دو مرد

صالح پیامبر فردی دارای محاسن در صورت توصیف شده است. درباره او گفته می‌شود که بعد از اینکه ناقه کشته شد چنان از اندوه به ستوه آمده بود که اشک‌هایش از روی گونه‌ها و محاسنش جاری شدند.^۱ مطابق حدیث دیگری به عنوان فردی صاحب محاسن زیاد توصیف شده است.^۲ علی نیز با محاسنی بلند که سینه اش را می‌پوشاند توصیف گشته است.^۳ صالح پیامبر با قدی متوسط وصف شده است؛^۴ که برای علی نیز صدق می‌کند.^۵ به نظر می‌آید که منابع شیعی می‌خواهند اظهار کنند که خداوند امامان را از بسیاری از جهات از جمله مشخصه‌های فیزیکی شبیه پیامبران خلق کرده است.

نقد

جالب است که مؤلف شمایل و اوصاف ظاهری امیرالمؤمنین علی علیه السلام را از مقتل امیرالمؤمنین نوشته ابن ابی الدنيا، عالم مشهور اهل تسنن (نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل) نقل کرده اما نتیجه گرفته که شیعیان خواسته‌اند ظاهر و بدن آن حضرت را شبیه به انبیا علیهم السلام جلوه دهند! به نظر می‌رسد سنداوی ابتدا ادعایش را نوشته و سپس در منابع شیعه به دنبال دلیل و شاهد گشته و اگر نیافته، از منابع اهل تسنن تراشیده و به شیعه نسبت داده است (م).

پ) صورت نورانی

صورت صالح پیامبر تابنده و نورانی به تصویر کشیده شده است. به قدری زیبایی درخشنده بود که کسی نمی‌توانست به صورت او بنگرد؛^۶ گفته شده است که صورت علی

۱. عزام، عمدة العارفين في قصص النبيين و الامم السالفين للشيخ محمد عبد المالك العس الفقيه الاشرافاني، ۹۷.

۲. راوندی، قصص الانبياء، صفحه ۱۰۳، قسمت ۴، حدیث شماره ۹۰.

۳. ابن ابی الدنيا، مقتل امیرالمؤمنین، ۱۰۸، حدیث شماره ۵۵.

۴. راوندی، قصص الانبياء، صفحه ۱۰۳.

۵. ابن ابی الدنيا، مقتل امیرالمؤمنین، ۱۰۸، حدیث شماره ۵۵.

۶. کسائی، قصص و موالید الانبياء، ۹۱.

نیز نورانی بوده است.^۱

ت - دانش گسترده

درباره صالح پیامبر گفته می‌شود که خداوند به او علم و مقام زیادی داده است.^۲ علی نیز، مانند همه امامان دانا و دانشمند بود؛ در واقع، شیعه ادعا می‌کند که او "عالم‌ترین مردم" (اعلم الناس)،^۳ بوده است، و علم او اگر از فرشتگان و پیامبران برتر نباشد، دست‌کم برابر است.^۴ از آنجایی که او می‌توانست علم خود را تجدید و افزایش دهد،^۵ هیچ چیز از او پنهان نمی‌ماند.^۶

ج - هر دوی آن‌ها زبان حیوانات را می‌فهمیدند

همچون سلیمان، گفته می‌شود که صالح پیامبر با حیوانات سخن گفته است. گزارش شده است که هنگامی که مردم خود را به اطاعت از خداوند دعوت کرد از او خواستند تا شیرها را فراخوانده تا شهادت بدهند که باید به او ایمان آورد، و در نتیجه صالح صدای خود را بالا برد و شیرها را اینگونه مورد خطاب قرار داد: «ای شیران، اگر من پیام‌رسان

۱. نور نشات گرفته از چهره امامان یک مسئله بسیار مهم میان شیعیان است، کسانی که باور دارند خداوند، محمد پیامبر و نسل وی، امامان را از نور خود خلق کرده است (مراجعه کنید: کلینی، الکافی، ۱:۳۸۹، شماره ۱؛ ۱:۴۰۲، شماره ۵؛ ۱:۴۴۰، شماره ۳؛ ۱:۴۴۲، شماره ۱۰؛ ۱:۵۳۱، شماره ۶؛ صفار، بصائر الدرجات، ۲۰، شماره ۳؛ دیلمی، ارشاد القلوب، ۲:۴۰۴). با توجه به احادیث شیعی خداوند ۷۰۰۰۰ فرشته از نور صورت علی خلق کرده است. این فرشتگان برای او و ستایش کنندگانش در روز قیامت طلب شفاعت می‌کنند (مراجعه کنید: دیلمی، ارشاد القلوب، ۲۳۴-۲۳۵)، علاوه بر آن مطابق احادیث شیعی آسمان‌ها نیز از نور صورت علی خلق شده است (مراجعه کنید: دیلمی، ارشاد القلوب، ۲:۴۰۳).

۲. کسائی، قصص و موالید الانبیاء، ۹۱.

۳. صدوق، معانی الاخبار، ۶۲، شماره ۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ۲۵:۱۱۶، شماره ۱.

۴. حدیث نبوی درباره این که امام علی علیه السلام اعلم امت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است اختصاص به منابع شیعه ندارد و در منابع اهل تسنن نیز نقل شده است. به علاوه عطاء بن ابی رباح (۲۷-۱۱۴) از کبار تابعین، امام علی علیه السلام را اعلم اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است؛ نک: مبارک، ص ۴۵۳ (م).

۵. صفار، بصائر الدرجات، ۱۰۹، شماره ۲.

۶. امیر معزی، راهنمای الهی، صفحات ۷۱-۷۲.

۷. مجلسی، بحارالانوار، ۲۶، فصل ۶؛ "دانش آسمان‌ها و زمین، بهشت و آتش جهنم از آنها پنهان نبود".

خداوند به مردم ثمود هستم، با اذن خداوند قدیر به پیش من بیایید». سپس یک شیر عظیم الجثه ظاهر شد و گفت: «ای پیامرسان خداوند، در اختیارم». مردی از قوم ثمود او را به سحر متهم کرد؛ شیر به سمت مردم ثمود برگشت و چنان غرشی کرد که مردم به داخل خانه‌هایشان دویدند و به صالح التماس کردند تا کاری کند شیر دور شود. صالح به شیر اشاره‌ای کرد و آنها را ترک کرد.^۱

در این داستان دعوت و فراخواندن شیر توسط صالح فوراً پاسخ داده می‌شود. شیر به او آسیب نمی‌زند؛ در حقیقت، با زبان دیگری به سمت دشمنان صالح غرش می‌کند. گفته می‌شود که علی نیز، زبان جانوران را می‌دانسته است. در حقیقت، شیعیان معتقدند که امامان آنها زبان همه مردم و همه دیگر جانوران او را نیز می‌دانند.^۲

نقد

منشا اعتقاد شیعیان روایات معتبر از پیشوایان است چنان که بنا بر روایت معتبری از اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام، امامان علیهم السلام عالم به تمامی زبانها هستند (صدوق، ۲/۲۲۸). اسناد این روایت چنین است: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی رضی الله عنه از علی بن ابراهیم بن هاشم از ابی الصلت هروی از امام رضا علیه السلام. این اسناد مرسل است زیرا علی بن ابراهیم قمی بی‌واسطه از اباصلت روایت نمی‌کند اما چون واسطه او و اباصلت همواره پدرش ابراهیم بن هاشم است، مشکل ارسال رفع شده و این روایت معتبر است چون جمیع راویان آن ثقة هستند (م).

بنابراین عجیب نیست که علی به گونه‌ای به تصویر کشیده که با حیوانات، از جمله شیر، صحبت کند. حارث اعور^۳ نقل می‌کند که با امیرمومنان و گروهی از مردم در کُناسه^۴ بوده

۱. کسائی، قصص و موالید الانبیا، ۹۳.

۲. لوین‌اشتاین، معجزات در اندیشه شیعه، صفحه ۲۱۸.

۳. برای جزئیات بیشتر درباره‌ی او مراجعه کنید: طوسی، رجال الطوسی، ۹۴، شماره ۳-۹۲۷؛ حلی، رجال الحلی، ۵۴، شماره ۸؛ کشی، رجال الکشی، ۸۹-۸۸، شماره ۱۹۲-۱۴۲.

۴. نام مکانی در شهر کوفه؛ برای جزئیات بیشتر مراجعه کنید: یاقوت الحموی، مجمع البلدان، ۴:۴۸۱، مدخل «کناسه».

است که ناگهان شیری ظاهر می‌شود مردم وحشت کرده و فرار کردند در حالی که شیر به سمت علی رفت و در مقابلش ایستاد. سپس علی دستش را روی سر شیر گذاشت و به شرح زیر با او سخن گفت: "به جایی که از آن آمده‌ای بازگرد، به خواست خدا، پس از امروز به دار الهجره (کوفه)، بازگرد، و به همه شیرها نیز به نام من بگو که نباید چنین کنند".^۱ پس از آنکه علی سخنانش تمام شد شیر دور شد و ناپدید گشت.

در این حدیث می‌بینیم که شیر، علی را شناخته و به طرز آشکاری غیر شیر مانند با او رفتار می‌کند. شیر متوجه می‌شود که علی به او چه می‌گوید و از او اطاعت می‌کند. امام در اینجا به لطف آگاهی از هر دو زبان انسان و حیوان، به عنوان واسطه‌گری میان دنیای آن دو، نمایش داده می‌شود. این حدیث همچنین به ما می‌فهماند که اقتدار و اختیار یک امام تنها به بشر محدود نشده بلکه به حیوانات نیز تعمیم داده می‌شود.

د) غرش هولناک در میدان جنگ هنگامی که خطر پدیدار می‌شود

نقل شده است که حضرت صالح علیه السلام صدای بلند و خوفناکی داشت، که در هنگام رویارویی با دشمن از آن استفاده می‌کرد. صدای مهیب ایشان ترس را ذره ذره به قلب‌های دشمنان می‌انداخت.

منابع شیعی نقل می‌کنند که از نسل سام فرزند حضرت نوح علیه السلام مردی مأمور شده بود تا در هر هفت سال به قوم ثمود حمله کند و دارایی آنان را تصاحب کند تا زمانی که حضرت صالح علیه السلام آمدند و صدای مهیبی سردادند که دشمن را به وحشت انداخت، وی غنیمت‌هایی را که تاکنون به دست آورده بود را رها کرد و گریخت.^۲ به علاوه روزی حضرت صالح علیه السلام بر سر مردمان خود خروشید. مردمانی که مأموریت پیامبر را باور نکردند و از خداوند اطاعت نکردند. آنان با وحشت از پیامبر گریختند.^۳

۱. راوندی، الخرائج و الجرائح، ۱۹۲-۱۹۱:۱.

۲. کسائی، قصص و موالید الانبیا، ۹۳.

۳. همان، ۹۳-۹۴.

علی، به اندازه‌ی کافی قابل ستایش، و همچنین دارای صدای شگفت‌انگیزی همچون صالح پیامبر بوده که از آن تحت شرایطی همانند موقعیت‌هایی که صالح پیامبر از صدایش استفاده می‌کرده، بهره می‌برده است.

برای مثال نقل شده است که یکبار پیامبر، علی را به شهر عَمَّان (امان) به جنگ جُندی بن کَرکَره (یا کَرکر) فرستاد، نبرد سختی میان آن‌ها در گرفت در طی این نبرد جلندی به جوانی به نام کندی قول داد که اگر موفق شد و علی را به اسارت در آورد جلندی دخترش را به عقد او در آورد. کندی در میان سی فیل دیگر سوار بر فیلی سفید رنگ شد و به امام حمله کردند. وقتی به او نزدیک شدند او از اسب خود فرود آمد و به طرف یک فیل رفت و شروع به صحبت با آن فیل کرد به زبانی که هیچ انسانی توانایی فهمیدنش را نداشت. آن فیل نیز با امام صحبت کرد و به ایشان گفت همه ی ما به شما و حضرت محمد ﷺ ایمان داریم به جز آن فیل سفید رنگی که کندی سوار بر آن است.

سپس علی صدای مشهور خود را سرداد و فیل سفید رنگ از ترس بی حرکت ماند. این واکنش موقعیتی را برای امام فراهم کرد تا سر فیل را با شمشیر خود ببرد و کندی را به اسارت درآورد.^۱ اینجا جای بحث راجع به جزئیات بی‌شمار و مهم موجود در این روایت نیست. به نظر میرسد این صدا را نباید به عنوان صدای معمولی یک انسان به شمار آورد بلکه قطعاً یک نعمت ویژه بود که خداوند به امامان و پیامبران خود اعطاء کرده بود تا ترس را به قلب‌های کافران بیندازند (القاء تدریجی)، آنان که آرزوی زیان رساندن به پیامبران را داشتند و مأموریت آنان را نمی‌پذیرفتند.

ه - تأمین خوراک مردم

شتر حضرت صالح علیه السلام شیری پر خاصیت را به مردم می‌رساند^۲ و از سوی دیگر امام

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب ۲: ۲۳۱، محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ۴۴: ۷۷-۷۸ حدیث ۸: نیاطی، الصراط المستقیم ۱: ۹۷-۹۸.

۲. کسائی، قصص الأنبياء، ۹۹، جزایری، التورالمبین فی قصص الأنبياء و المرسلین، ۱۵۵، طبرسی، مجمع البیان، ۵: ۲۹۹.

علی علیه السلام مردم را با دانش و خرد خود تأمین می‌کرد.^۱

و - محل دفنشان

محل قرارگیری مزار علی بن ابی طالب موضوع بسیاری از مشاجره‌هاست.^۲ با این حال شیعیان اتفاق نظر دارند که که ایشان در الغری دفن شده است. محلی واقع در شهر نجف جایی که حرم مطهر ایشان قرار دارد. شیعیان این مکان را قطعی می‌دانند. منابع شیعیان حاکی از این است که ایشان پیش از مرگشان به فرزندانشان گفته‌اند که مرا در خاک مزار برادرانم هود و صالح دفن کنید که آن‌ها در آرامش باشند.^۳

روایات متعددی بیان می‌کنند که مزار علی در الغری حاوی بقایای پیکر تعدادی از پیامبران از جمله حضرت صالح و حضرت ابراهیم است.^۴

برحسب روایتی از امام جعفر صادق وقتی علی را در قبر گذاشتند، قبر خالی بود و صدای بلندی شنیده می‌شد که می‌گفت به راستی امیرمؤمنان بنده‌ی شایسته‌ای بود. بنابراین خداوند او را به پیامبرش ملحق نمود و او باید با اوصیا می‌بود. از این‌رو اگر پیامبر در مشرق به رحمت خداوند برود و جانشینان ایشان در غرب باشد باید به پیامبر ملحق شود. علی به عنوان جانشین محمد پیامبر معرفی شده بود و بدین ترتیب مقبره‌ی وی به عنوان محل دفن پیامبران و جانشینان ایشان تلقی می‌شود.

روایت دیگری از امام پنجم، محمد باقر (د. ۱۱۴ ق / ۷۳۳ م.) بیان می‌کند که؛ هیچ پیامبری تا به حال فرستاده نشده است مگر با اختیار ما و با انکار توسط دشمنان. به عبارت دیگر شیعیان باور دارند که حضرت صالح علیه السلام با امام علی علیه السلام و سایر ائمه آشنا بوده‌اند.^۵ این بخشی از

۱. تفسیر علی ابن ابراهیم قمی ۲: ۱۳۲، الجزائری، النورالمبین، ۱۵۲، محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ۱۱: ۵۴، حدیث ۳۱.
۲. دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با مکان قبور دیگر پیامبران در این کتاب وجود دارد (مجله بین‌المللی مطالعات اسلامی شیعه)، تهذیب الاحکام، ۶: ۳۳، محمدباقر مجلسی، ۱۱: ۳۷۹.
۳. الجزائری، النور المبین، ۹۲: الطوسی، تهذیب الاحکام، ۶: ۳۳، شماره ۶۶: المجلسی، بحارالانوار، ۱۱: ۳۷۹، شماره ۴.
۴. نباطی، الصراط المستقیم ۳: ۱۲۲.
۵. کتاب تفسیر العیاشی ۲: ۲۵۸؛ بصائر الدرجات نوشته صفار قمی باب ۷، ش ۱، ۷۴.

آیین شیعیان است که یک امام می‌توانند با پیامبرانی که در گذشته آنان را ملاقات کرده‌اند و آنان نیز با ایشان ملاقات کرده‌اند ارتباط برقرار کنند.^۱

بدین گونه علی می‌توانستند با همه ی پیامبران ارتباط برقرار کنند و با صالح نیز به طور طبیعی در ارتباط بودند و می‌دانستند که که طبق باور شیعیان، ایشان با صالح در یک مزار دفن می‌شوند.

اینجا ما دوباره می‌بینیم که شیعیان تمایل دارند تا ظاهر روایات را با اتفاقات گذشته مطابقت دهند، بدین گونه عقاید خود را به قدمتی ارجمند می‌رسانند. صالح می‌دانست که با علی در یک مزار دفن خواهد شد. این مسئله به طور غیرمستقیم شواهدی را از وجود تشیع و عقایدش در گذشته‌های دور فراهم می‌کرد. مقصود دیگر این روایت نشان دادن این است که مزار علی در الغری یک مکان فوق‌العاده است. این یک مفهوم سطحی است، این روایات مفهوم درونی عمیق تری هم دارند، یعنی پیوند معنوی میان علی و صالح پیامبر. در مقابل این روایات شیعیان، برخی از سنی‌ها مزار امام علی علیه السلام را در مکه^۲، نزدیک حجرالاسود^۳ قرار داده‌اند. سایرین می‌گویند که مزار امام را در سرزمین حصرموت در شرق یمن یافته‌اند^۴. و حتی هنوز برخی دیگر نیز محل قرارگیری آن را در الرمله، فرض می‌کنند^۵.

ی - هر دو در بهشت سوار بر ناقه می‌شوند

از نظر شیعیان صفات مشترک علی و صالح تنها محدود به جنبه‌های زندگی دنیوی آنان نیست بلکه تا روز قیامت جایی که یکدیگر را ملاقات می‌کنند امتداد دارد. در طول

۱. بصائر الدرجات نوشته صفار قمی، ۲۷۸؛ راهنمای الهی نوشته‌ی امیر معزی ۷۲-۷۳.

۲. ابن کثیر، قصص الأنبياء، ۱۲۷، تعلی، عرائس المجالس، ۶۳.

۳. خطیب بغدادی، تاریخ الأنبياء، ۶۴.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ۷:۳۹۲؛ اشرفانی، عمدة العارفين، ۹۹.

۵. کسائی، قصص و موالید الأنبياء، ۱۰۲؛ لازم به ذکر است که تعدادی زیارتگاه در سرزمین مقدس، در رمله، عکا و سایر مناطق به حضرت صالح علیه السلام اختصاص داده شده است.

برای اطلاعات بیشتر نک: عراف، طبقات الانبياء و الاولياء الصالحين في الارض المقدسة، ۱۱۸-۱۲۲.

۶. برای رد اقوال اهل تسنن درباره مدفن امام علی علیه السلام نک: هارونی، ص ۶-۷؛ ابن طاووس حسنی، سرتاسر (م).

زندگیشان هیچ‌گاه یکدیگر را ملاقات نکردند زیرا تفاوت زمانی بسیار زیادی داشتند اما طبق باور شیعیان در روز قیامت آنان در یک کاروان سواری می‌کنند. در آن روز آن‌ها در چند ویژگی شباهت دارند برای مثال هر دو سوار بر ناقه می‌شوند. طبق روایتی پیامبر گفته‌اند؛ فقط چهار تن در روز قیامت سواره هستند. من، علی، فاطمه و صالح پیامبر خدا. من بر براق سوادم، دخترم فاطمه بر عَضَاء^۱ سوار است صالح بر ناقه خداوند که پی‌اش کرده‌اند و علی بر شتری از شتران بهشت سوار است شتری که از نور ساخته شده و افسار آن از یاقوت است و دو زیور سبز رنگ از آن آویزان است.^۲ طبق این روایت این دو در بهشت دیدار می‌کنند به عنوان بخشی از چهار نفر یعنی محمد، فاطمه، علی و صالح که شرایط استثنائی آن‌ها حاکی از این است که فقط آنان در روز قیامت سواره هستند برخلاف دیگر پیامبران و جانشینانشان. در میان این چهار نفر، علی و صالح شرایط یکسانی دارند زیرا در یک کاروان سواری خواهند کرد. به عبارت دیگر علی مقام یکسانی با بهترین پیامبران دارند.

شباهت میان علی و ناقه صالح

پیش از شمردن یک‌کایک شباهت‌های یکسان علی و صالح باید به این اشاره شود که شیعیان حوادث، عبارات و معجزات بی‌شماری را در رابطه با داستان این ناقه یافته‌اند که باعث محبوبیت فراوان آن در همه‌ی زمان‌ها شده است. از این‌رو تمایل به وجود آمدن ویژگی‌های مشترک با علی ایجاد شده است. منظور از این مقایسه این است که علی خودشان یکی از معجزات خداوند هستند دقیقاً مثل ناقه صالح.

(آ) محل تولد

طبق منابع شیعیان علی داخل کعبه، صخره خداوند به دنیا آمدند. به این دلیل شیعیان

۱. عضاء یکی از ناقه‌های پیامبر بوده است؛ برای اطلاعات بیشتر نک: ابن جوزی، کتاب الوفا بأحوال المصطفی، ۵۹۰.
۲. جزائری، النورالمبین، ۹۳، شیخ صدوق، خصال، ۲۰۴، محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ۱۱:۳۸۰، ش ۶، صدوق، الامالی، ۳۶۱، ش ۱۴.

ایشان را متولد کعبه می‌نامند زیرا هیچ پیامبر یا وصی دیگری این افتخار را نداشتند^۱. همان طور که در بالا دیدیم در این مسئله نیز شباهتی با ناقه صالح داشتند این شتر به درخواست قوم ثمود در حالی که باردار بود از دل سنگ بیرون آمد^۲.

نقد

ولادت امام علی علیه السلام در کعبه در منابع اهل تسنن نیز آمده و حاکم نیشابوری آن را متواتر دانسته است؛ برای منبع شناسی ولادت امام علیه السلام در کعبه نک: اردوبادی، سرتاسر(م).

پ - پیش آگاهی از مرگ

همان‌طور که نشان داده شده پیامبران و همچنین امامان شیعه از غیب خبر داشتند. طبق روایتی صالح مرگ ناقه را از قبل پیش‌بینی می‌کند و در واقع قاتل آن را برای قوم خود توصیف می‌کند تا به آنان هشدار دهد که این شخص عامل نابودی آنان خواهد بود^۳.

در رابطه با علی نیز، نحوه مرگ ایشان توسط فرشته‌ی جبرئیل به محمد پیامبر گفته شده بود و او نیز علی را آگاه کرد. به او گفت که تو توسط انسان رذلی به نام عبدالرحمن بن ملجم مرادی که مسبب بدبختی بسیاری از انسان‌هاست کشته خواهی شد و همچنین پیامبر آن مرد را کاملاً توصیف کرد^۴.

طبق روایتی علی این موضوع را با همسرش ام‌جعفر که کنیز بود، در حالی که ام‌جعفر آب را بر روی دستان ایشان می‌ریخت در میان گذاشت. سپس علی دست به محاسن خود بردند و به شرح زیر بیان کردند: وای بر شما زیرا شما در روز جمعه به خون رنگین

۱. برای جزئیات بیشتر در مورد تولد امام علی علیه السلام در داخل کعبه می‌توانید به این مراجع مراجعه کنید: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ۳۵: ۷-۹. حدیث ش ۸-۱۱؛ جزائری، قصص الانبیاء، ۹۱؛ فتال، روضة الواعظین، ۱: ۷۶-۷۷؛ کراچکی، کنز الفوائد ۱: ۲۵۵.

۲. جزائری، النورالمبین، ۱۵۴؛ تفسیر العیاشی، ۲: ۲۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ۱۱: ۳۷۷. ش ۳.

۳. تعلی، عرائس المجالس، ۴۱-۴۳.

۴. المجلسی، بحار الانوار، ۵۲: ۲۷، ۱۴۱: ۱۸، ۳۷۹، ۳۷۶: ۱۱، و...؛ حلی، العدد القویة، ۲۳۷؛ الکوفی، کتاب سلیم ۹۱۹؛ کشف الغمه ۱: ۴۲۸، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱: ۱۴۱، ۳: ۱۱۱، ۲۰۹.

خواهید شد. و در واقع او پیش از روز جمعه مورد اصابت قرار گرفت.^۱ مشخصات هر دو قاتل، قاتل ناقه و قاتل علی از پیش توسط صالح و علی مشخص شده بود. خواننده ممکن است از خود بپرسد اگر هر دوی آنها، علی و صالح هويت قاتلان را میدانستند چرا برای جلوگیری از آنان هیچ اقدامی نکردند؟ قطعاً نویسندگان شیعی از این مشکل آگاه بوده‌اند.

دو پاسخ به این پرسش داده شده است، یکی اینکه مرگ هر دو توسط خداوند از پیش تعیین شده بوده است (قضای الهی) که قابل تغییر نبوده است. پاسخ دیگر این بوده که شهادت علی یک هدف متعالی داشت در نتیجه علی جایگاه ارجمندی در بهشت داشت. از این رو او هیچ اقدامی برای جلوگیری از مرگش انجام نداد مانند صالح که هیچ اقدامی برای جلوگیری از کشته شدن آن ناقه نکرد تا این مردم مستحق نابودی از سوی خداوند به عنوان مجازات عمل خود باشند.

س - انگیزه‌ی کشتن علی و ناقه صالح

شباهت دیگر میان علی و شتر حضرت صالح علیه السلام این حقیقت بود که در هر دو واقعه، یک زن مسبب کشته شدن آنان بود. در ماجرای علی زنی به نام قطام دختر اخضر تیمیه که پدر و برادرش در جنگ نهران توسط امام کشته شده بودند مسبب قتل علی بود. این زن زیبا نامزد پسر عموی خود عبد الرحمن بن ملجم (د. ۴۰ ق. ۶۶۱ م.) بود و به او گفته بود، من با تو ازدواج نخواهم کرد مگر اینکه به من سه هزار دینار به همراه یک کنیز و یک غلام بدهی و همچنین امام علی علیه السلام را نیز به قتل برسانی و ابن ملجم نیز خواسته‌هایش را اجابت کرده بود.

طبق یک روایت در کشتن ناقه صالح دو زن دست داشتند. صدوق بنت الموحی که خود را به مصدع بن مهران پیشنهاد داد و عنیزه بیرزنی که یکی از دختران خود را به قدار بن سالف و مصدع پیشنهاد داد. در روایتی دیگر کعب الاحبار ذکر می‌کند که زنی به نام ملکا

۱. ابن ابی الدنيا، مقتل امیرالمؤمنین، ۱۰۶، حدیث ۴۴.

مسبب مرگ ناقه بود. او ملکه قوم ثمود بود. زمانی که پدر صالح رئیس قبیله شد ملکا به او حسادت می‌ورزید سپس وی به زنی به نام قُطام که معشوقه‌ی مردی به نام قدار بن سالف بود و زن دیگری به نام قبال که معشوقه‌ی مردی به نام مصدع بود نزدیک شد. ملکه هر شب با این دو زن ملاقات می‌کرد و با یکدیگر شراب می‌نوشیدند. یک شب ملکا به آنان گفت: اگر امشب قدار و مصدع نزد شما آمدند از آنان تمکین نکنید و در عوض به آنان بگویید که ملکه به دلیل وجود ناقه (شتر پیامبر) و پیروزی صالح اندوهگین است و شما از آنان تمکین نخواهید کرد تا زمانی که آنان ناقه را بکشند. وقتی آن دو مرد نزد زنان آمدند آنان چیزهایی را که از سوی ملکه پذیرفته بودند را به آنان گفتند و مردان نیز پاسخ دادند که ما در کمین خواهیم بود تا ناقه را بکشیم سپس با هفت همراه، راهی شدند. آنان در کمین ناقه، که ایستاده بود تا آب بنوشد قرار گرفتند. قدار در پشت سنگی که در مسیر ناقه بود پنهان شد و مصدع نیز در پشت سنگی دیگر کمین نمود. وقتی ناقه از کنار مصدع رد شد او تیری به ساق پای ناقه زد سپس عنیزه بیرون آمد و به دخترش که بسیار زیبا بود دستور داد تا چهره‌ی خود را برای قدار نمایان کند و برای او موسیقی پخش کند که در نتیجه قدار با شمشیر خود ضربه‌ی دیگری به سینه‌ی ناقه زد و ناقه را نحر کرد و کشت.^۱

علی‌رغم تفاوت‌های میان روایات مرتبط با شهادت ناقه صالح و مطابق همه‌ی روایات در هر دو رویداد یک زن عامل اصلی بود. طبق روایتی نام زنی که به عنوان قاتل ناقه صالح نام بردند قطام بود. دقیقاً نام همان زنی که قصد داشت علی را به قتل برساند. این نام‌های مشابه قطعاً اتفاقی نیست. نام قطام دختر اخضر در منابع تاریخی بسیاری ذکر شده است و به احتمال زیاد یک شخص واقعی بوده است. در رابطه با ارتباط قطام با کشته شدن ناقه به نظر می‌رسد که منابع شیعیان نام وی را وارد کرده‌اند تا شباهت‌های آن واقعه را با شهادت علی بیشتر

۱. جزائری، النورالمبین، ۱۵۶-۱۵۷؛ طبرسی، مجمع البیان، ۲: ۴۴۲-۴۴۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ۱۱: ۳۹۱-۳۹۳.

کنند^۱، به عنوان مدرکی دیگر برای شیعیان درباره‌ی حقانیت حقوق علی به عنوان امام و جانشین پیامبر.

در منابع شیعیان نقش یک زن در شهادت علی تنها با داستان صالح در ارتباط نیست بلکه با داستان یحیی بن زکریا که توسط هرود به اصرار دخترش سالومه در مهمانی نوشیدن شراب، کشته شد نیز در ارتباط است. سالومه توسط مادرش هرودیا تحریک شده بود.^۲

د- قاتل به عنوان یک رذل به تصویر کشیده شده است

منابع شیعی ابن ملجم مرادی، قاتل علی ابن ابی طالب و قدار ابن سالف، قاتل شتر ماده را به عنوان انسانهایی بیچاره بیان نموده‌اند، بر طبق حدیث پیامبر در چندین موضع به علی گفته است: پست‌ترین مردمان گذشته قاتل ناقه صالح بوده و پست‌ترین مردمان دوره‌های اخیر مردی است که با شمشیر تو را خواهد زد، و تو را می‌کشد، و خون تو را به پایین محاسنت روانه می‌کند^۳. در روایتی از ابن عباس نقل شده است که عبدالرحمن بن ملجم، قاتل علی، از فرزندان قدار بن سالف بود. که ناقه صالح را کشت.^۴ در پاره‌ای از روایات قاتل علی چنین توصیف شده است: «پست‌تر از قاتل شتر صالح است» یا «أشقی الاشیاء»^۵.

۱. ماجرای دست داشتن قطام در شهادت امام علی علیه السلام در منابع اهل تسنن نیز آمده است بنابراین جعل شخصیت و نام وی توسط شیعه ادعایی بی‌دلیل است؛ برای نمونه نک: طبری، ج ۴، ص ۱۱۰-۱۱۶؛ ابن حبان، ج ۲، ص ۳۰۲؛ طبرانی، ج ۱، ص ۹۷-۹۸ (م).

۲. سنداوی، «حسین بن علی و یحیی بن زکریا در منابع شیعیان، مطالعه‌ای مقایسه‌ای»، فرهنگ اسلامی ۷۸ (۲۰۰۴) ص: ۴۲.

۳. صدوق، عیون اخبارالرضا، ۱: ۲۹۵-۲۹۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ۴۲: ۱۹۰، حدیث شماره. ۱/۲۲۷/۱: ۱۱/۱۰؛ ۳۷۶/۳۱: ۴۴۰/۱۹۰ / شماره ۱؛ جزائری، النورالمبین، ۱۵۱؛ ابن طائوس، اقبال الاعمال، ۳؛ صدوق، الامالی، ۹۵؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۰: ۲۶۵؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ۲: ۴۳۴، شماره. ۱۱۰۸-۱۱۹۶؛ حلی، العدد القویه، ۲۳۶-۲۳۸؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، ۲۶۳؛ قمی، الفضایل، ۵۷؛ صدوق، فضائل الاشرع الثلاثة، ۷۹، ۱۱۰، شماره. ۱۰۱؛ سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ۷۹۸، ۹۱۹؛ اربلی، کشف الغمه، ۱: ۴۲۷ / ۴۳۵؛ ابن شهرآشوب، مناقب ابی طالب، ۱۴۰/۱: ۱۱۱، ۳.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ۴۲: ۲۳۷-۲۳۸.

۵. رواندی، الخرائج و الجرائح، ۱: ۱۸۲؛ صدوق، الخصال، ۲: ۵۷۶، ۶۰۷.

نقد

سنداوی روایت نبوی درباره این که قاتل امام علی علیه السلام پست‌ترین فرد است را صرفاً از منابع شیعه امامیه گزارش کرده است و ظاهراً دو کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و شواهد التنزیل را نیز در عداد همین منابع می‌دانسته که به آن دو هم ارجاع داده است! در حالی که صالحی شامی (ج ۱۰، ص ۱۵۳) این حدیث معتبر نبوی را به الفاظ مختلف از چند منبع روایی اهل تسنن نقل کرده است و حلبی (ج ۲، ص ۳۵۰) آن را از اعلام نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانسته است. (م)

ج- زمان مرگ و مجازات قاتلان

مردم ثمود روز پنجشنبه ناه صالِح را کشتند. پس از قتل ناه، صالح به آنها گفت: "سه روز آینده را لذت ببرید، سپس مجازات مردم در صبح روز چهارم، یکشنبه اتفاق افتاد.^۲ فرشته جبرئیل ابتدا پایین آمد و چنان فریادی ترسناک سر داد که همگی مردند. سپس خدا آتش را فرو فرستاد که همه آنها را سوزاند.^۳ علی نیز در روز پنجشنبه ضربت خورد. و سپس قاتل او زندانی شده وی پس از سه روز، یکشنبه شب، بر اثر زخم درگذشت. قاتل او، عبدالرحمان بن ملجم با قطع دست و پایش مجازات شد. او سپس به گودالی پر از نفت پرتاب شد و آتش گرفت.^۴ به‌طور خلاصه، در هر دو مورد این عمل در روز پنجشنبه انجام شد و عذاب پس از سه روز، به صورت آتش نازل شد.

۱. قرآن، ۶۵: ۱۱

۲. طبرسی، مجمع البیان، ۵: ۲۹۸-۲۹۹

۳. همان، ۵: ۲۹۹

۴. مسعودی، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ۲: ۴۰۹؛ ابن ابی الدنيا، مقتل امیرالمؤمنین، ۱۰۷، حدیث شماره ۴۴.

۵. برای نقد دیدگاه سنداوی درباره نحوه برخورد با ابن ملجم و برای اطلاع بیشتر درباره عاقبت ابن ملجم و نحوه قصاص وی نک: صادقی کاشانی، سرتاسر (م).

و - کشته شدن پسر

یکی دیگر از نقاط شباهت داستان‌های شتر صالح و علی، قتل پسر است. در مورد علی، فرزندش حسین در جنگ کربلا در سال ۶۸۰ (۶۱ ق)، کشته شد و فرزند ناچه نیز توسط مردم نمود پس از کشتن مادرش کشته شد. خواننده ممکن است تعجب کند که چرا چنین ارتباطی بین علی و یک ناچه برقرار شده است. باید به یاد داشته باشیم که طبق نظر شیعیان این ناچه یک معجزه آسمانی بود، که خدا با هدف متقاعد کردن قوم صالح برای او نازل کرد تا مردم به او ایمان بیاورند. همین امر در مورد علی نیز صادق است، زیرا شیعیان معتقدند که او «نشانه خدا» (آیت الله) است که از طریق پیامبرش آشکار شده است. بیش از یک بار از خود علی نقل شده است که گفته است «آیا نشانه ای بزرگ تر از من هست؟»^۱. بنابراین اتصال بین این دو کاملاً طبیعی است.

نتایج مقاله

در صفحات پیشین تعدادی شباهت بین علی و صالح پیامبر بیان شد. شیعه، در تلاش برای ستایش از چهره علی بن ابی طالب، مطالب متنوع یافت شده در زندگینامه انبیا را به علی نسبت داده که از نظر آنها با پیامبران برابر بوده است. این کار را برای ارتقا جایگاه وی به عنوان امام، به عنوان وصی قانونی محمد پیامبر، و همچنین به منظور اثبات قدمت باور شیعیان انجام داده‌اند.

نقد

دست کم بنا بر دیدگاه برخی از متکلمان اثنی عشریه، امام علی و دیگر امامان علیهم‌السلام برتر از همه انبیا و رسولان به جز پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛ نک: حلی، سرتاسر؛ حلی بصری، سرتاسر (م).

صالح یکی از پیامبرانی است که شرح حال وی حاوی وقایع بی‌شماری شبیه اتفاقات

۱. قمی، تفسیر التمی، ۲: ۱۳۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۱: ۵۴، در حدیث شماره ۳۱؛ جزائری، النور المبین، ۱۵۱-۱۵۲.

زندگی علی، بوده است به ویژه وقایع پیرامون پیامبر و ناقه، که بین هر دوی آن‌ها و علی شباهت‌های زیادی وجود دارد: علی و ناقه هر دو در داخل صخره‌ای به دنیا آمدند. تولد هر دو یعنی علی و صالح با معجزه همراه بود و این دو مرد از نظر جسمی نیز شبیه هم بودند. هر دو چهره روشن داشتند و دانش بالایی داشتند. هر دو صحبت کردن با زبان حیوانات را می‌دانستند و هر دو فریادی داشتند که ترس را به دشمنانشان القا می‌کرد. هر دو از سرنوشت خود آگاهی داشتند: علی می‌دانست چه کسی او را می‌کشد، کجا و چگونه، و صالح می‌دانست چه کسی کجا و چگونه ناقه او را می‌کشد، شباهت‌های بیشتر نیز وجود دارد: در هر دو مورد این یک زن بود که قاتلان را تحریک کرد. در هر دو مورد پسر مقتول نیز کشته شد. قاتلین در هر دو مورد پست‌ترین مردمان بودند؛ زمان مرگ، مجازات قاتلان و زمان مجازات آنها نیز در هر دو مورد مشابه است. علاوه بر این، صالح و علی در یک محل به خاک سپرده شدند و هر دو در روز رستاخیز بر ناقه سوار می‌شوند.

واضح است که این درجه از شباهت نمی‌تواند اتفاقی باشد. بلکه مثالی است برای عقیده شیعیان که علی با پیامبران برابر است. نشانه دیگری برای بسیاری از نقاط شباهت پیامبر و امام ممکن است این دیدگاه شیعیان باشد که درست مانند پیامبران و اوصیای آنها که علیه بی‌عدالتی جنگیدند، امامان شیعه نیز چنین کردند. بنابراین علی نمایانگر همان مبارزه‌ای برای عدالت اجتماعی است که پیامبران خدا قبل از او به آن پرداخته‌اند. از نظر شیعیان وی به عنوان میراث‌دار این پیامبران، از جمله صالح پیامبر، همواره برای عدالت مبارزه کرده است، همانطور که در بسیاری از وقایع زندگی آنها نشان داده شده است.

نقد

خالدسنداوی در این مقاله و برخی از دیگر آثارش به دنبال القای این ادعا است که شباهت‌های ذکر شده بین امامان علیه السلام و انبیاء علیهم السلام در آثار شیعه اثنی عشری جعلی است اما از اثبات این ادعا ناتوان است زیرا شباهت‌های امیرالمؤمنین علیه السلام با انبیاء علیهم السلام در احادیث نبوی منقول در منابع اهل تسنن منعکس شده است و اختصاص به شیعه ندارد و شباهت‌های

دیگر امامان با انبیاء علیهم السلام مانند حسنین علیهم السلام و مهدی (عج) هم می‌تواند ریشه در احادیث نبوی داشته باشد یا ریشه در روایات امامان شیعه علیهم السلام که نزد شیعه از حیث اعتبار در حکم حدیث نبوی است و حتی ممکن است ریشه در اقوال صحابه و تابعین داشته باشد چنان که در منابع اهل تسنن از ابن سیرین نقل شده که آسمان پس از یحیی بن زکریا بر هیچ کس نگریست مگر بر حسین بن علی (ابن عساکر، ۱۴ / ۲۲۵؛ ذهبی، ۳ / ۳۱۲). (م)



کتابشناسی (منابع مترجمان)

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، به کوشش مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲. ابن حبان بستنی، محمد، کتاب النقات، حیدرآباد دکن: دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۹۳.
۳. ابن طاووس حسنی، سید عبد الکریم، فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی، به کوشش سیدتحتسین آل شیبیب موسوی، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۹.
۴. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق، به کوشش علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵.
۵. ابن وزیر، هادی بن ابراهیم، البروج فی اسماء امیرالمؤمنین، به کوشش محمد اسلامی یزدی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷ش.
۶. اردوبادی، محمدعلی، علی ولید الکعبة، قم: بنیاد بعثت، ۱۴۱۲.
۷. بخش کتابشناسی دائرة المعارف بزرگ اسلامی، «ابن ابی الدنیا»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۲، در: <https://www.cgie.org.ir/fa/article/222731> (تاریخ بازیابی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱).
۸. حلبی، علی بن ابراهیم، السیرة الحلبیة، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۰.
۹. حلی، حسن بن سلیمان، تفضیل الائمة علی الانبیاء و الملائكة، به کوشش مشتاق صالح مظفر، قم: مکتبة العلامة المجلسی، ۱۳۸۸ش.
۱۰. حلی بصری، مهذب الدین احمد بن عبدالرضا، المنهج القویم فی تفضیل الصراط المستقیم علی امیرالمؤمنین علی سائر الانبیاء والمرسلین بالتعمیم سوی تبینا ذی الفضل العظیم، به کوشش محمد حسن ارگانی بهبهانی، قم: مجمع ذخایر اسلامی و تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱ش.
۱۱. ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعب الارنؤوط، محمد نعیم عرقسوسی و مأمون صاغرچی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳.
۱۲. رحمتی، محمدکاظم، «زین الفتی و مؤلف آن»، آینه پژوهش، ش ۸۸، ۱۳۸۳ش.
۱۳. صادقی کاشانی، مصطفی، «بازخوانی روایات فرجام ابن ملجم»، پژوهش‌های علوم تاریخی، ش ۲۱، خرداد ۱۳۹۹ش، ص ۸۹-۱۰۳.
۱۴. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبیل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، به کوشش عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴.
۱۵. طباطبایی، محمدعلی، قرآن‌شناسی امامیه در پژوهش‌های غربی، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۶ش.
۱۶. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، به کوشش حمدی عبد المجید سلفی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۸. مبارک، عبدالرحیم، خیر البریة والالطاف الالهیة علی صلی الله علیه و آله و الاختیار الالهی من المصادر السنیة، بیروت: دارالعلوم و مشهد: المکتبة المختصة بامیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۲۳.
۱۹. محمودی، محمدباقر، العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل اتی، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۸.
۲۰. هارونی، ابوطالب یحیی بن حسین، الافادة فی تاریخ الائمة السادة، به کوشش محمدکاظم رحمتی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۷ش.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی